



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۸۰	تاریخ	۱۴۰۳/۱۱/۲۸
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل سوم: استدلال به سیره				
عنوان ۵	اشکال رادعیت آیات ناهیه از عمل به ظن از سیره عمل بر خبر واحد				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

۵. بیان امام خمینی ره در پاسخ به اشکال

وجه پنجم در رد اشکال رادعیت آیات ناهیه از عمل به ظن از سیره، وجهی است که حضرت امام خمینی ره بنابر نقل تهذیب، بیان کرده‌اند. حاصل این وجه، ورود ادله داله بر حجیت خبر-از جمله سیره- بر آیات ناهیه از عمل به ظن است. ایشان برای تبیین این ورود، دو تقریب بیان می‌کنند:

تقریب اول

اگر مراد از آیات ناهیه از عمل به ظن، ظن در مقابل علم باشد، یعنی مراد، غیر علم باشد، در این صورت، این امر مستلزم تخصیص اکثر یا تعطیل احکام شرعیه است؛ که هر دو (تخصیص اکثر و تعطیل احکام شرعیه) فاسد هستند. بنابراین، باید چنین باشد که مراد از این ظن، «ما لیس بحجة» است. به این معنا که مراد از ظن در «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا»، ظنی است که حجت نباشد.

می‌توان در تبیین فرمایش حضرت امام گفت که این ظنی که ما مقابل علم قرار می‌دهیم، یک ظن اصطلاحی است که بعدها مصطلح شده است؛ درحالی‌که در زبان عرب، ظن، «ما لیس بحجة» است یا علم، «ما هو حجة» است؛ لذا اگر حجت معتبره‌ای بر چیزی قائم شد و کسی به آن عمل کرد، نمی‌گویند که به ظن عمل کرده است. این تقسیم (علم، قطع، ظن، وهم و...)، تقسیماتی است که بعدها در مباحث علمی به عمل آمده است. در اصطلاحات لغوی و در استعمالات لغوی عرب، «ظن» که گفته می‌شود، یعنی «ما لیس بحجة».

بنابراین، مرحوم امام می‌فرمایند اگر ما ظن را دقیقاً مقابل علم بگیریم، لازمه‌اش این است که اکثر احکام تعطیل می‌شود؛ چون اکثر احکام، با طریق ظن ثابت شده است. اگر گفته شود که همه ظنون حجت نیست و این آیات مطلق ظن را شامل می‌شود،

این امر مستلزم تعطیل اکثر یا تخصیص اکثر است؛ چراکه بسیاری از احکام با همین ظنون مختلف ثابت شده است و اگر بگوییم این ظنون خبری، شهری، ظواهر و... حجت است، و فقط ظنونی مانند ظن فال و تطیر در مصداق آیه باقی می ماند و این تخصیص اکثر خواهد بود.

بنابراین، باید مراد از این ظن، ظن به معنای ما لیس بحجة باشد. در این صورت، ادله داله بر حجیت خبر همانند سیره، وارد بر آیات ناهیه از عمل به ظن می شوند. چون آیات می گویند «ما لیس بحجة، لیس بحق»، سیره می گوید «خبر واحد، مفید الحق»؛ این ادله وارد می شوند بر آیات ناهیه از عمل به ظن.

به عبارت دیگر، ورود به این معنا است که یک فردی از افراد موضوع، حقیقتاً از تحت موضوع خارج شود؛ نه به وسیله تعبذ؛ منتها سببش دلیل شرعی باشد. در اینجا، ظنی که ناشی از خبر باشد، حقیقتاً از تحت دلیل نهی از عمل خارج می شود؛ چون مراد از عمل به ظن در دلیل نهی از عمل به ظن، «ما لیس بحجة» است، و دلیل حجیت - که همان سیره در ما نحن فیه است -، ظن خبری را از شمول ادله ناهیه خارج می کند.

تقریب دوم

اساساً عمل به خبر واحد، عمل به ظن نیست؛ چرا که دلیل قطعی بر حجیت خبر قائم است. به همین ترتیب، عمل به ظهور نیز عمل به ظن نیست؛ زیرا دلیل قطعی بر حجیت ظهور قائم است. وقتی دلیل قطعی بر حجیت ظهور شد، به سبب آن دلیل حجیت، تبدیل به علم می شود و عمل به ظهور از تحت دلیل نهی از عمل به ظن خارج می شود. این، یعنی ورود. به عبارت دیگر، دلیلی که می گوید خبر واحد حجت است، یک دلیل قطعی است. چون دلیل قطعی است، عمل به خبر واحد، عمل به قطع می شود. کسی که به خبر واحد عمل می کند، در واقع به علمش عمل می کند؛ زیرا حجیت خبر واحد به وسیله علم و قطع ثابت شده است و دیگر عمل به خبر، می شود عمل به آن علم، و از عمل به ظن، تکویناً خارج می شود.

اشکال بر بیان امام خمینی رحمته الله علیه

به نظر می رسد هیچ کدام از این دو تقریب درست نیستند و بر هر دو تقریب، اشکال وارد است. اشکالی که به تقریب اول وارد است، این است که ممکن است کسی ادعا کند از مجموع اخباری که ما به آنها در احکام عمل می کنیم، تعداد زیادی از آنها اخباری هستند که قرائن موجب علم، محیط به آنها است و مقرون به آنها هستند. مطلبی که اخباریون مدعی این مطلب هستند، هر چند ما قبول نداریم حرفشان را؛ اما اجمالاً حرفشان در بعضی از موارد درست است؛ به این معنا که خیلی از اخبار واحدی که به دست ما می رسد، به لحاظ اقتران به قرائن حجت می شود؛ از قبیل اینکه چند خبر در موضوع واحد و در حکم واحد وارد می شود، یا از قبیل اینکه منضم به عمل اصحاب و به شهرت می شود. به این ترتیب، بسیاری از این اخبار واحدی که ما احکام را به آنها اثبات می کنیم، اخبار مقرون به قرائن مفید علم هستند. مابقی اخباری که واقعاً هیچ قرینه مقرون و مفید علمی برای آنها وجود ندارد، در آنجا احتیاط می کنیم؛ اگر آن اخبار، اخبار وارد در احکام الزامی باشند. مگر چقدر خبر وجود دارد که در احکام الزامیه وارد شده باشد و قرائن مفیده قطع هم همراهش نباشد؟ خیلی از اخبار که اصلاً در احکام الزامی نیست؛ آن مقدار از اخباری که در احکام الزامی هستند (وجوب و حرمت)، تعداد زیادی از این اخبار، اخبار مقرون به قرائن مفیده علم هستند. می ماند تعدادی از این اخبار که در آنجا می توانیم احتیاط کنیم

و احتیاط در آن مقدار، موجب حرج نخواهد بود. بنابراین، اینطور نیست که اگر مراد از ظن، ظن در مقابل علم باشد، موجب تعطیل احکام شود یا تخصیص اکثر شود؛ زیرا اکثر ادله‌ای که احکام را برای ما اثبات می‌کنند، ظنی نیستند و قرائن مفید به علم همراه آنهاست.

مگر اینکه به بیان مرحوم امام، آنچه ما گفتیم ضمیمه شود مبنی بر اینکه ادعا می‌شود که اصلاً «ظن» در استعمالات زبان عرب در زمان صدور آیات، به این معنایی که ما امروز ظن را بر آن حمل می‌کنیم - یعنی در مقابل علم - نبوده است. «ظن» در استعمالات عربی، به معنای «ما لیس بحجة» بوده است و عمل بر اساس «تخرّص» بوده است؛ لذا در بعضی از آیات ناهیه از عمل به ظن، ﴿إِنَّ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾^۱ وجود دارد که به معنای بی حساب بر چیزی عمل کردن است. این بیان، بیان قابل توجهی است و اگر با این بیان ما از فرمایش حضرت امام دفاع کنیم، به نظر اقوا است از چیزی که در فرمایش ایشان آمده است. ادامه بحث، در جلسه آینده ان شاء الله.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین